

فهرست مطالب		
شماره صفحه	عناوین	شماره قسمت‌ها
۳	کلیات، دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی	قسمت اول
۲۷	دادسرا؛ متصدیان آن و تحقیقات مقدماتی	قسمت دوم
۱۰۳	دادستان کل کشور	قسمت سوم
۱۰۵	صلاحیت مراجع قضایی، کیفیت رسیدگی و صدور رأی	قسمت چهارم
۱۵۶	اعتراض به آرای کیفری	قسمت پنجم
۱۷۴	اجرای احکام کیفری و هزینه دادرسی	قسمت ششم
۱۹۶	آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح	قسمت هفتم
۲۰۶	دادرسی الکترونیکی	قسمت هشتم
۲۰۸	آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای	قسمت نهم
۲۱۱	آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی	قسمت دهم
۲۱۳	پیوست‌ها	
۲۱۴	جدول مواعد قانونی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	پیوست اول
۲۲۷	جدول ضمانت اجرای مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	پیوست دوم
۲۳۲	جدول آرای قابل اعتراض (تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی)	پیوست سوم
۲۳۸	جدول سازوکارهای قانونی ناظر بر جرایم مهم مندرج در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	پیوست چهارم
۲۴۵	جدول مقررات ناظر بر روابط دادستان و بازپرس	پیوست پنجم
۲۴۸	جدول موارد رسیدگی‌های خارج از نوبت	پیوست ششم
۲۵۰	جدول قوانین نسخ شده به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	پیوست هفتم

قسمت اول : « کلیات ، دعاوی عمومی و خصوصی »

● کلیات

۱. آیین دادرسی کیفری حاکم بر موارد ذیل است :

- کشف جرم
- تعقیب متهم
- تحقیقات مقدماتی
- میانجیگری
- صلح میان طرفین
- نحوه رسیدگی
- صدور رأی
- طرق اعتراض آراء
- اجرای آراء
- تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی
- تعیین وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری
- رعایت حقوق متهم
- رعایت حقوق بزه دیده
- رعایت حقوق جامعه

۲. اهداف آیین دادرسی کیفری عبارت است از :

- تفکیک اتهامات صحیح از اتهامات ناروا
- پیشگیری از اشتباهات قضایی
- تأمین آرامش خاطر شهروندان.

۳. اختلاف آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی از لحاظ موضوع :

- در آیین دادرسی کیفری، موضوع رسیدگی، جنبه عمومی دعوا می باشد.
- در آیین دادرسی مدنی، موضوع رسیدگی، جنبه خصوصی دعوا می باشد.

۴. اختلاف آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی از لحاظ اصحاب دعوا : دادستان در

دعاوی کیفری حق هیچگونه صلح و سازش با متهم را ندارد. مگر امکان معامله اتهام و چانه زنی بین دادستان و متهم که در قالب ساز و کار از پیش اندیشیده و نظام مندی در نظر گرفته شده

است و در چارچوب برنامه هایی از جمله قرار تعلیق تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده در نظام دادرسی کیفری شناخته شده اند. این در حالی است که دعوای حقوقی متعلق به اصحاب دعوا است و تعقیب یا انصراف از آن به ایشان سپرده شده است.

۵. **اختلاف آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی** از لحاظ ادله اثبات دعوا: در دعوای کیفری بار دلیل بر عهده شاکی یا دادستان است و متهم با رعایت اصل برائت موظف به اثبات بی گناهی خود نیست. در دعوای حقوقی تحصیل و ارائه دلیل بر عهده مدعی است (البینه علی المدعی)، اعم از اینکه مدعی، خواهان یا خوانده باشد.

۶. قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری، قوانین شکلی محسوب می شوند.

۷. تفاوت آیین دادرسی کیفری (قواعد شکلی) با مقررات حقوق کیفری (قواعد ماهوی):

- در قوانین کیفری ماهوی برای جلوگیری از تضییع حق متهم، اصل بر تفسیر مضیق قوانین است، حال آنکه در قوانین کیفری شکلی برای اجرای بهتر عدالت، اصل بر تفسیر موسع قوانین به نفع متهم است.

- در قوانین کیفری ماهوی با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها، قیاس پذیرفتنی نیست، حال آنکه در قوانین کیفری شکلی برای حفظ حقوق و آزادی های متهم قیاس پذیرفتنی است.

- قوانین کیفری ماهوی عطف به ماسبق نمی شوند اما قوانین کیفری شکلی به دلیل مفیدتر بودن به حال متهم، در جهت اجرای عدالت، عطف به ماسبق می شوند. به عبارت بهتر در قوانین آ.د.ک اصل بر اجرای فوری قوانین جدید است مگر حقوق مکتسبه ای از متهم تضییع شود.

توجه

در قوانین آیین دادرسی کیفری اصل بر عطف به ما سبق شدن قوانین است، زیرا قوانین لاحق ناظر بر آیین دادرسی کیفری با فرض تامین بهتر عدالت وضع شده و بنابر اصل اجرای فوری، می توانند به گذشته نیز عطف شوند، مگر حقوق مکتسبه ای از متهم را به مخاطره اندازند.

۸. قوانین ذیل نسبت به جرایم سابق بر وضع خود به موجب ماده ۱۱ ق.ا.م. ۱۳۹۲، فوراً اجرا می شوند؛

- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت

- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم: اگر در این وضع حکم قطعی

صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می شود. (منظور از دادگاه صادر کننده حکم قطعی لزوماً مرجع بدوی صادر کننده حکم نیست، بلکه مرجع قضایی ای است که حکم آن، قطعی لازم الاجرا محسوب شده است).

- قوانین مربوط به شیوه دادرسی.
- قوانین مربوط به مرور زمان.

۹. دو محور عطف به ماسبق نشدن قوانین شکلی :

- وقتی که برای متهم حق مکتسبی ایجاد شده باشد.
- وقتی که قانون جدید آثار اقدامات قضایی را که طبق مقررات قبلی صحیحاً انجام شده، کان لم یکن محسوب کند.

توجه

با لحاظ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و اثر آن بر جرم آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹ ق. تعزیرات ۱۳۷۵؛ این فرض مطرح شد که اگر به اتهام آدم‌ربایی با حبس درجه ۳ (قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) در دادگاه کیفری یک رسیدگی شده است و رسیدگی فرجامی آن نیز در دیوانعالی کشور در جریان باشد، اثرگذاری قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که موجب تقلیل حبس این جرم حسب مورد به حبس درجه ۴ یا ۵ شده است، آیا مطابق ماده ۱۱ ق.م.ا باید منتج به عطف به ماسبق کردن پرونده‌های در حال رسیدگی در دیوانعالی کشور شده و به این ترتیب رسیدگی به اعتراض در این موارد را به دادگاه تجدید نظر استان ارجاع داد؟ در این باره رای وحدت رویه شماره ۷۹۶ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور بیان می‌دارد؛ «نظر به این که مطابق قسمت دوم ماده ۹ ق.آ.د.م آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدید نظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است و این حکم که یکی از قواعد تضمین کننده حقوق مکتسب اصحاب دعوا است، در امور کیفری نیز جاری است و به همین سبب حکم مندرج در بند الف ماده ۱۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین چنانچه رای دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور، مطابق ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک قابل فرجام در دیوانعالی کشور باشد، کاهش مجازات به موجب قانون جدید تاثیری در قابلیت فرجام رای ندارد.»

۱۰. منابع آیین دادرسی کیفری :

- منابع مستقیم :
- ✓ قانون
- ✓ منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر فقهی
- ✓ آرای وحدت رویه
- منابع غیر مستقیم :
- ✓ دکترین
- ✓ عرف و عادت

۱۱. اصول حاکم بر دادرسی کیفری : (مواد ۲ الی ۶ ق.آ.د.ک)

- لزوم مستند بودن دادرسی کیفری به قانون (اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری)
- لزوم تضمین حقوق طرفین دعوا
- لزوم تساوی دادرسی نسبت به کسانی که در شرایط مساوی مرتکب جرایم مشابه شده اند. (اصل عدم رجحان)
- لزوم بی طرفی مراجع قضایی
- لزوم استقلال کامل مراجع قضایی در رسیدگی
- لزوم امتناع از اطاله دادرسی : مرجع قضایی باید در کوتاهترین مهلت ممکن رسیدگی و تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود جلوگیری کند. (ماده ۳ ق.آ.د.ک)
- لزوم اصل برائت
- لزوم رعایت کرامت و حیثیت اشخاص
- لزوم رعایت فوری حقوق متهم
- لزوم اطلاع فوری متهم از موضوع و ادله انتسابی
- لزوم بهره مندی فوری متهم از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی

توجه

هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. (ماده ۴ ق.آ.د.ک)

“

توجه

متهم، بزه دیده و شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. (ماده ۶ ق.آ.د.ک)

۱۲. قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ بر تمام مراحل دادرسی حاکم بوده و تبعیت از آن از سوی مقامات قضایی، ضابطان دادگستری، و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، اجتناب ناپذیر می باشد. زیرا عدم رعایت این قانون در فرآیند دادرسی موجب اعمال ضمانت اجرای ماده ۵۷۰ اصلاحی ۱۳۸۱ ق.تجزیرات ۱۳۷۵ خواهد شد، مگر اینکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد. ماده ۵۷۰ اصلاحی ۱۳۸۱ ق.تجزیرات ۱۳۷۵؛ « هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی های شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کنند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت از یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. »

● دعاوی عمومی و خصوصی

۱۳. همه جرایم دارای جنبه الهی هستند و می توانند دو حیثیت عمومی یا خصوصی داشته باشند.

۱۴. حیثیت عمومی جرایم ناظر است بر تعدی به :

- حدود و مقررات الهی

- یا حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

۱۵. حیثیت خصوصی جرایم ناظر است بر تعدی به :

- حقوق شخص

- یا حقوق اشخاص معین

۱۶. دعاوی عمومی : دعوایی که برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی اقامه می شود. برخی جرایم واجد دو حیثیت عمومی و خصوصی و برخی جرایم صرفاً واجد حیثیت عمومی اند. از جمله جرایم فقط با حیثیت عمومی می توان اشاره کرد به؛ جرم حمل سلاح بدون مجوز و در مورد جرایم با دو حیثیت عمومی و خصوصی می توان به؛ قتل عمد اشاره کرد که جنبه خصوصی و حق الناسی آن در حق قصاص متبلور می شود و در صورت عدم اعمال قصاص امکان اجرای حبس تعزیری از جهت جنبه عمومی به موجب ماده ۶۱۲ ق.تجزیرات ۱۳۷۵ در نظر گرفته شده است.

۱۷. **دعوای خصوصی** : دعوایی که برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است، (مثل حد قذف یا قصاص اعم از نفس یا عضو) اقامه می شود. از جمله جرایم با حیثیت خصوصی : ترک انفاق - توهین - افترا - صدور چک پرداخت نشدنی .

۱۸. **بزه دیده** : بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد. (ماده ۱۰ ق.آ.د.ک)

۱۹. **شاکی** : بزه دیده چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی نامیده می شود. (ماده ۱۰ ق.آ.د.ک)

۲۰. **مدعی خصوصی** : بزه دیده هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می شود. (ماده ۱۰ ق.آ.د.ک)

۲۱. تعقیب متهم و اقامه دعوای عمومی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان است.

۲۲. اقامه دعوا و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

۲۳. شرایط مدعی خصوصی :

- لزوم وجود اهلیت تمتع و اهلیت استیفا در مدعی خصوصی
- لزوم ذی نفعی مدعی خصوصی

۲۴. در مورد تاجر ورشکسته: طرح دعوای خصوصی تاجر ورشکسته از جانب مدیر تصفیه ممکن می باشد و در دعوای خصوصی با جنبه شخصی مثل توهین یا افترا و خسارات معنوی در اعمال منافی عفت، تاجر شخصاً می تواند اقدام به طرح دعوا کند.

۲۵. در مورد اتباع بیگانه: اهلیت اقامه دعوای خصوصی ایشان مطابق قانون کشور متبوعشان است.

۲۶. شرایط ناظر بر ذی نفع بودن مدعی خصوصی :

- شخصی بودن ضرر: مدعی خصوصی باید شخصاً متضرر شده باشد و نمی تواند بابت ضرر وارد شده به غیر اقدام نماید.

- مستقیم بودن ضرر: بین جرم و ضرر و زیان وارده رابطه علیت یا رابطه سببی مستقیم برقرار باشد .

- فعلیت ضرر: لزوم قطعیت و مسلم بودن وقوع خسارت به هنگام ارتکاب جرم. بنابراین خسارات احتمالی صرف و خسارات آتی که اکنون قابل تقویم نباشند، قابل مطالبه نیستند.

- مشروعیت ضرر: حق مورد ادعا باید تحت حمایت مقنن باشد، تا امکان جبران آن فراهم گردد. پس قابل جبران بودن ضرر منوط به این است که ضرر ناشی از تضییع حقی قانونی باشد.

۲۷. طرح دعوای خصوصی از جانب اشخاصی غیر از بزه دیده در موارد ذیل ممکن است :

- طرح دعوای خصوصی توسط وراثت بزه دیده
- طرح دعوای خصوصی توسط منتقل‌الیه: با انتقال دعوای خصوصی از جانب بزه دیده به شخص ثالث؛ که البته منتقل‌الیه صرفاً دعوای خصوصی مذکور را در دادگاه حقوقی می‌تواند اقامه کند نه دادگاه کیفری. مانند انتقال چک توسط دارنده آن به غیر بعد از صدور گواهی عدم پرداخت به نام دارنده، که منتقل‌الیه دیگر حق مراجعه به مرجع کیفری را برای پیگیری فرآیند کیفری نخواهد داشت.
- طرح دعوای خصوصی توسط قائم مقام بزه دیده: کسی که خسارت بزه دیده را پرداخته است، می‌تواند به نمایندگی از او علیه پزهکار طرح دعوای خصوصی کند، مثل بیمه گر یا سازمان تأمین اجتماعی، این دعوا صرفاً در دادگاه حقوقی قابل طرح است (مواد ۱۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵)

۲۸. در جرایم قابل گذشت (دارای حیثیت خصوصی صرف) (ماده ۱۲ ق.آ.د.ک) :

- تعقیب متهم فقط با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود.
- با گذشت شاکی خصوصی از شکایت، تعقیب و رسیدگی در هر مرحله که باشد، موقوف می‌شود.

۲۹. تعیین جرایم قابل گذشت به موجب قانون است. مواد ۱۰۰ الی ۱۰۴ ق.م.ا ۱۳۹۲ به جرایم قابل گذشت پرداخته اند.

۳۰. فهرست جرایم قابل گذشت با لحاظ ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا :

- جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات مثل ماده ۵۶۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ ناظر بر اقدام عمدی بر تمامیت فیزیکی دیگری بدون آسیب و صدمه
- حد قذف
- حد سرقت (تا قبل از رفع الامر عند الحاکم - با لحاظ بندهای د-ذ-ر-ز ماده ۲۶۸ ق.م.ا)
- جعل سند عادی (ماده ۵۳۶ ق. تعزیرات)
- توهین به افراد (ماده ۶۰۸ ق. تعزیرات)
- توهین به مقامات (ماده ۶۰۹ ق. تعزیرات)

- سقط جنین ناشی از ضرب و اذیت و آزار عمدی زن حامله (ماده ۶۲۲ ق. تعزیرات)
- امتناع از تحویل طفل سپرده شده (ماده ۶۳۲ ق. تعزیرات)
- رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست، در محل خالی از سکنه (ماده ۶۳۳ ق. تعزیرات)
- مزاحمت تلفنی (ماده ۶۴۱ ق. تعزیرات)
- تدلیس در نکاح (ماده ۶۴۷ ق. تعزیرات)
- افشای اسرار (ماده ۶۴۸ ق. تعزیرات)
- تهدید (مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق. تعزیرات)
- سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضا (ماده ۶۷۳ ق. تعزیرات)
- خیانت در امانت (ماده ۶۷۴ ق. تعزیرات)
- تحریق اشیای منقول (ماده ۶۷۶ ق. تعزیرات)
- تخریب (ماده ۶۷۷ ق. تعزیرات)
- کشتن، مسموم کردن، تلف یا ناقص کردن عمدی و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع است (ماده ۶۷۹ ق. تعزیرات)
- سوزاندن یا اتلاف عمدی اسناد تجاری و غیر تجاری غیردولتی (ماده ۶۸۲ ق. تعزیرات)
- چراندن محصول دیگری، تخریب باغ و محصول دیگری (ماده ۶۸۴ ق. تعزیرات)
- قطع یا از بین بردن اصله نخل خرما بدون مجوز قانونی (ماده ۶۸۵ ق. تعزیرات)
- تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق (ماده ۶۹۰ ق. تعزیرات) منوط به اینکه ملک متعلق به اشخاص خصوصی باشد .
- تصرف ملک غیر به قهر و غلبه (ماده ۶۹۲ ق. تعزیرات)
- ورود به عنف یا تهدید در منزل یا مسکن غیر (ماده ۶۹۴ ق. تعزیرات)
- افترا (ماده ۶۹۷ ق. تعزیرات)
- نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ ق. تعزیرات)
- افترای عملی (ماده ۶۹۹ ق. تعزیرات)
- هجو (ماده ۷۰۰ ق. تعزیرات)
- صدمات رانندگی موضوع ماده ۷۱۶ ق. تعزیرات
- صدمات رانندگی موضوع ماده ۷۱۷ ق. تعزیرات
- تحریف و تغییر فیلم و صوت متعلق به غیر (ماده ۷۴۴ ق. تعزیرات برابر با ماده ۱۶ ق. جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸)
- انتقال مال غیر منوط به اینکه موضوع جرم به میزان مبلغ یک میلیارد ریال یا کمتر باشد .

- کلاهبرداری منوط به اینکه موضوع جرم به میزان مبلغ یک میلیارد ریال یا کمتر باشد .
 - جرایم در حکم کلاهبرداری منوط به اینکه دارای بزه دیده باشند .
 - جرایم با مجازات قانونی کلاهبرداری منوط به اینکه دارای بزه دیده باشند .
 - جرایمی که کلاهبرداری محسوب شوند منوط به اینکه دارای بزه دیده باشند .
 - سرقت موضوع ماده ۶۵۶ ق.تعزیرات منوط به اینکه ارزش مورد سرقت بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری موثر باشد .
 - جیب بری و کیف زنی (ماده ۶۵۷ ق.تعزیرات) منوط به اینکه ارزش مورد سرقت بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری موثر باشد .
 - سرقت ساده (ماده ۶۶۱ ق.تعزیرات) منوط به اینکه ارزش مورد سرقت بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری موثر باشد .
 - ربایش خارج از مفهوم سرقت (ماده ۶۶۵ ق.تعزیرات) منوط به اینکه ارزش مورد سرقت بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه کیفری موثر باشد .
 - کلیه جرایم درجه پنج و کمتر افراد زیر ۱۸ سال منوط به داشتن بزه دیده
 - جرایمی که به موجب قانون خاص قابل گذشت هستند (مثل جرم صدور چک پرداخت نشدنی؛ مواد ۱۱ و ۱۲ ق. صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷ و جرم ترک انفاق؛ ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۲)
 - شروع به تمام جرایم قابل گذشت .
 - معاونت در تمام جرایم قابل گذشت .
۳۱. شاکی در تمام جرایم ولو غیر قابل گذشت می تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را در طی دعوی کیفری مطالبه کند .
۳۲. ضرر و زیان های قابل مطالبه توسط شاکی خصوصی : (ماده ۱۴ ق.آ.د.ک)
- ضرر و زیان های مادی ناشی از جرم
 - ضرر و زیان های معنوی ناشی از جرم
 - منافع ممکن الحصول ناشی از جرم
۳۳. زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی.
۳۴. امکان صدور حکم به جبران ضرر معنوی (تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک) : دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارات مالی به رفع زیان از طرق ذیل حکم دهد ؛
- الزام به عذرخواهی
 - یا درج حکم در جرایم

- و امثال روش های فوق (مثل نصب بئر برای عذرخواهی در محل)

۳۵. خسارت مادی: خساراتی است که به دارایی و اموال شخص اعم از کلی یا جزئی وارد می شود یا سبب تحمیل هزینه هایی به او برای ترمیم موقعیت وی می شود. مانند خسارات ناشی از تخریب اشیاء و اموال.

۳۶. خسارات ناشی از منافع ممکن الحصول: منافع ممکن الحصول، منافعی هستند که سبب تحقق آنها موجود بوده و روند طبیعی امور منجر به حصول آنها می شده ولی ارتکاب جرم مانع تحقق این منافع برای شاکی گردیده است. مانند اینکه شاکی در شغل بنایی اشتغال داشته که بر اثر ایراد ضرب و جرح توسط متهم و شکستگی دست ناشی از آن به مدت ۶ ماه از اشتغال بازمانده است در این وضعیت شاکی با اثبات این امر می تواند خسارت ممکن الحصول خود یعنی منافعی را که در صورت اشتغال به کار برای او محقق بوده اند، از متهم مطالبه نماید.



توجه

منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص معین شرعی و دیه نمی شوند. (تبصره ۲ ماده ۱۲ ق.آ.د.ک)



۳۷. مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان: این مهلت از لحظه ای که متهم تحت تعقیب قرار می گیرد تا قبل از اعلام ختم دادرسی محاسبه می گردد.

۳۸. نحوه تقدیم دادخواست ضرر و زیان: زیان دیده می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کرده و تا قبل از اعلام ختم دادرسی نیز دادخواست ضرر و زیان را تسلیم دادگاه کند.



توجه

در ارجاع دعوا بدون کیفرخواست، شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می تواند حداکثر ظرف ۵ روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می تواند فارغ از امر کیفری به دعوی ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند. (ماده ۸۶ ق.آ.د.ک)



توجه

اگر شاکی برای مطالبه خواسته مکلف به تقدیم دادخواست باشد و تا قبل از ختم دادرسی ، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند ، با درخواست متهم از قرار تامین خواسته رفع اثر می شود . (ماده ۱۱۲ ق.آ.د.ک)

۳۹. نحوه رسیدگی دادگاه کیفری به دادخواست ضرر و زیان (مواد ۱۶ و ۱۷ ق.آ.د.ک) : دادگاه کیفری مکلف است ، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی ضمن صدور رای کیفری طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند ، اگر رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد در این صورت دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می کند.

۴۰. اگر دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود ؛

- دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست.
- مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه جنبه کیفری نیز شود که در این صورت می تواند با استرداد دعوا به دادگاه کیفری مراجعه کند.

۴۱. اگر دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری اقامه شود؛

- اگر صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود (مثلاً در موارد صدور قرار اناطه) ، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوا برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند.
- در این مورد اگر مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد، نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

۴۲. دادگاه در صدور حکم به رد عین، رد مثل یا رد قیمت مال مکلف است :

- میزان و مشخصات محکوم به را قید کند.
- در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسئولیت هریک را مطابق مقررات مشخص کند.
- در حکم به پرداخت قیمت مال، قیمت زمان اجرای حکم ملاک است.

● سقوط دعوای عمومی

۴۳. موارد سقوط دعوای عمومی (ماده ۱۳ ق.آ.د.ک) :

- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت

- فوت متهم یا محکوم علیه
- عفو
- نسخ مجازات قانونی
- مرور زمان در موارد پیش بینی شده قانونی
- توبه متهم در موارد پیش بینی شده قانونی
- اعتبار امر مختوم کیفری

توجه

قاعده درأ از موارد سقوط تعقیب دعوای عمومی نیست، درحالیکه در شمول موارد سقوط مجازات ها قرار می گیرد، زیرا قاعده درأ قاعده ای ماهوی است ناظر بر شبهه ای که نسبت به ارکان تحقق جرم یا ارکان تحقق مسئولیت کیفری شکل می گیرد و با تحقق چنین شبهه ای و اعمال قاعده درأ، اصل بر عدم وقوع جرم یا مجرم نبودن متهم است که مستلزم صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءت می باشد در حالیکه موارد ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ناظر بر صدور قرار موقوفی تعقیب در شرایطی اند که جرم واقع شده و مجرم بودن متهم محرز است، اما به دلیل شمول یکی از موارد مطروحه، قابلیت تعقیب دعوای عمومی ساقط شده است.

“

۴۴. اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرم ها می باشد، مگر قانون گذار صراحتاً جرمی را قابل گذشت فرض نماید، بنابراین اگر قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. (ماده ۱۰۳ ق.م.ا)

۴۵. اثر گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت (مواد ۱۰۰ الی ۱۰۴ ق.م.ا): این جرایم، جرایمی اند که شروع و ادامه تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات در آنها منوط است به شکایت شاکی و عدم گذشت او، بنابراین در جرایم قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موجب موقوفی تعقیب و رسیدگی یا عدم اجرای مجازات می شود. (ماده ۱۰۰ ق.م.ا)

۴۶. اثر گذشت شاکی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت: این جرایم، جرایمی اند که شکایت شاکی خصوصی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آن و اجرای مجازات تاثیری ندارد. (تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ق.م.ا). البته گذشت شاکی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت می تواند از موجبات تخفیف مجازات و اعمال برنامه های ارفاقی مثل معافیت قضایی، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و جایگزین های حبس باشد. (با

لحاظ مواد ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۷، ۵۸ و ۶۴ ق.م.ا)

۴۷. شرایط گذشت (مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ ق.م.ا):

- گذشت باید منجز و قطعی باشد، به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نمی شود، مگر اینکه آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.
- عدول از گذشت قابل استماع نیست.
- تاثیر گذشت قیم اتفاقی منوط به تایید دادستان است.
- با تعدد متضررین از جرم، موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند، هر چند تعقیب و رسیدگی با شکایت هر یک از متضررین شروع خواهد شد.
- حق گذشت به ورثه متضرر به ارث می رسد و با گذشت «همگی وراثت»، تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات متوقف می شود.

۴۸. فوت متهم یا محکوم علیه؛ بنابر اصل شخصی بودن مجازات ها، با مرگ متهم یا محکوم تعقیب، رسیدگی و اجرای کیفر متوقف می شود. تمام مجازات ها حتی جزای نقدی با مرگ محکوم ساقط می شوند، به غیر از دیه که با مرگ مدیون ساقط نخواهد شد. (ر.ک به تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و مواد ۴۳۵، ۴۷۴ و ۴۷۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ناظر بر فوت مرتکب در جنایات عمد، شبه عمد و خطای محض و نحوه وصول دیه و عدم سقوط آن با لحاظ شرایط این مقررات)

توجه

فوت محکوم تأثیری بر اقدامات تامینی عینی از نوع ضبط اموال ندارد.

۴۹. انواع عفو:

- عفو عام (عمومی)
- عفو خاص (عفو خصوصی، بخشودگی یا عفو رهبری)

۵۰. عفو عمومی:

- عفو عمومی به موجب قانون از طریق نهاد مقننه اعمال می شود. (ماده ۹۷ ق.م.ا)
- عفو عمومی اصولاً بعد از بحران های اجتماعی، سیاسی و انقلاب ها صورت می گیرد.
- عفو عمومی شامل «کلیه متهمان» و «محکومان» به جرم مورد عفو خواهد شد.
- عفو عمومی به موجب قانون در جرایم موجب تعزیر اعطا می شود و عفو عمومی قبل از صدور حکم تعقیب و دادرسی را متوقف می کند و بعد از صدور حکم، اجرای مجازات به

- موجب عفو متوقف و آثار محکومیت زائل می شود.
- عفو عمومی محکومیت را زائل کرده و جرم موضوع عفو عمومی از سجل کیفری فرد پاک می شود.
 - مقررات عفو عمومی از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی بوده و غیر قابل تراضی و غیرقابل امتناع است.
 - عفو عمومی تمام مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی را ساقط می نماید.
 - عفو عمومی همه آثار محکومیت را منتفی می کند لکن تاثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد. (ماده ۹۸ ق.م.ا)

۵۱. عفو خصوصی یا عفو رهبری :

- قابل اعمال به موجب ماده ۹۶ ق.م.ا و بند ۱۱ اصل ۱۱۰ ق.اساسی و آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ می باشد.
- با ابتکار و پیشنهاد قوه قضاییه و موافقت رهبری صورت می گیرد.
- در مناسبت های خاص ملی یا مذهبی مندرج در آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین ۱۳۸۷ و یا مناسبت دیگری که رهبری موافقت نمایند، اعمال می شود.
- موجب بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات « محکومان » می شود.
- موجب پاک شدن محکومیت از شناسنامه کیفری فرد نخواهد شد.
- رافع حق خصوصی، مسئولیت مدنی و انتظامی نیست.
- عفو رهبری شامل مجازات ها با جنبه حق الناسی نیست و برخی جرایم به شرح ذیل به موجب آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات ها از شمول عفو رهبری خارج می باشند :
- ✓ قاچاق حرفه ای مواد مخدر
- ✓ جرایم شامل حق الناس
- ✓ سرقت مسلحانه
- ✓ تجاوز و زناى به عنف
- ✓ مصادیق جرایمی مانند جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات
- ✓ اختلاس، ارتشاء
- ✓ آدم ربایی
- ✓ جرایم مستوجب حد اعدام و حد رجم که با شهادت شهود اثبات شده اند.

۵۲. اشخاص مجاز به درخواست اعمال عفو رهبری :

- رئیس دادگستری مربوط
- دادستان مربوط
- قاضی ناظر زندان مربوط
- رئیس زندان مربوط
- محکوم علیه
- پدر و مادر و همسر و فرزندان محکوم علیه

۵۳. نسخ شدن قانون جزا، تعقیب و اجرای مجازات را متوقف می کند. آثار نسخ قوانین جزایی و نحوه اثر گذاری قوانین لاحق و سابق جزایی مطابق با قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزا و رعایت ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. (ماده ۹۹ ق.م.ا)

۵۴. مرور زمان های کیفری عبارت اند از؛ مزی مدت مقرر قانونی که بعد از گذشت آن مدت‌ها، شکایت شاکی خصوصی در جرایم تعزیری قابل گذشت پذیرفته نمی شود یا جرم اعم از قابل گذشت یا غیر قابل گذشت به دلیل انقضاء مهلت‌های قانونی دیگر قابل تعقیب و رسیدگی نیست یا مجازات مندرج در حکم قطعی قابل اجرا نمی باشد .

۵۵. انواع مرور زمان های کیفری عبارت اند از :

- مرور زمان شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت (ماده ۱۰۶ ق.م.ا)
- مرور زمان تعقیب در جرایم تعزیری (ماده ۱۰۵ ق.م.ا)
- مرور زمان صدور حکم در جرایم تعزیری (ماده ۱۰۵ ق.م.ا)
- مرور زمان اجرای مجازات در جرایم تعزیری (ماده ۱۰۷ ق.م.ا)

۵۶. جرایم با مجازات های شرعی (حدود - قصاص - دیات - تعزیرات منصوص معین شرعی) از شمول مرور زمان های کیفری خارج اند . (در مورد خروج تعزیرات منصوص معین شرعی از شمول مرور زمان های تعقیب و صدور حکم به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مراجعه کنید)

۵۷. جرایم تعزیری ذیل به حکم قانون از شمول مرور زمان های کیفری خارج اند :

- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی
- جرایم مندرج در قانون مبارزه با مواد مخدر
- جرایم اقتصادی مشتمل بر کلاهبرداری و جرایم مندرج در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا با لحاظ ملاک ریالی مندرج در آن ماده .
- جرایم با مجازات تعزیری منصوص معین شرعی از شمول ماده ۱۰۵ ق.م.ا (مرور زمان های تعقیب و صدور حکم) خارج می باشند . (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

۵۸. به موجب مرور زمان شکایت؛ (ماده ۱۰۶ ق.م.ا) در جرایم تعزیری قابل گذشت، اگر متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم یا مدت یک سال از تاریخ رفع مانع شکایت نکند، حق شکایت کیفری او زائل می گردد.

۵۹. مواردی که مبدأ مرور زمان شکایت از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود:

- تحت سلطه بودن متضرر از جرم از طریق متهم
- عدم قدرت شکایت به دلیلی خارج از اختیار

۶۰. در صورت فوت متضرر از جرم قبل از انقضاء مهلت مرور زمان شکایت، اگر دلیلی بر صرف نظر کردن وی از طرح شکایت نباشد، هر یک از ورثه در مهلت ۶ ماه از تاریخ فوت حق شکایت دارند.

۶۱. با لحاظ شرایط و مهلت های فوق، در صورتی به شکایت متضرر از جرم یا ورثه وی رسیدگی می شود که جرم مشمول مرور زمان تعقیب موضوع ماده ۱۰۵ ق.م.ا قرار نگرفته باشد. تنها استثناء در این مورد تحت سلطه قرار گرفتن بزه دیده است.

۶۲. بنابراین اگر متضرر از جرم ظرف مهلت یک سال از تاریخ اطلاع از جرم، قصد طرح شکایت داشته باشد اما محرز شود که آن جرم از تاریخ وقوع با لحاظ مهلت های مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا مشمول مرور زمان تعقیب قرار گرفته است، شکایت متضرر از جرم مورد پذیرش قرار نمی گیرد. اما اگر معلوم شود که متضرر از جرم در تمام این مدت تحت سلطه متهم بوده است و نمی توانسته طرح شکایت کند، ولو جرم مشمول مرور زمان تعقیب قرار گرفته باشد، به آن جرم رسیدگی می شود.

۶۳. مرور زمان تعقیب؛ (فراز اول ماده ۱۰۵ ق.م.ا) عبارت است از طی مدت های مقرر قانونی از تاریخ وقوع جرم به نحوی که پس از آن دیگر جرم قابل تعقیب نمی باشد.

۶۴. مرور زمان صدور حکم؛ (فراز دوم ماده ۱۰۵ ق.م.ا) عبارت است از طی مدت های مقرر قانونی از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی به نحوی که پس از آن دیگر صدور حکم ممکن نمی باشد.

۶۵. مرور زمان اجرای مجازات؛ (ماده ۱۰۷ ق.م.ا) عبارت است از طی مدت های مقرر قانونی از تاریخ قطعیت حکم کیفری، به نحوی که پس از آن دیگر مجازات قابل اجرا نمی باشد.

۶۶. مهلت های مرور زمان تعقیب و صدور حکم:

- جرایم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال
- جرایم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال
- جرایم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

- جرایم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال
- جرایم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

۶۷. مهلت های مرور زمان اجرای مجازات :

- جرایم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال
- جرایم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال
- جرایم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال
- جرایم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال
- جرایم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال

۶۸. موقوف شدن تعقیب ، صدور حکم یا اجرای مجازات بر مبنای مرور زمان های کیفری ، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه کند.

۶۹. در مورد قرار اناطه ، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رای مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است ، شروع می شود و مدتی که پرونده به دلیل صدور قرار اناطه ، معلق و به صورت موقت بایگانی می شود جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی شود . (تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا و تبصره ۳ ماده ۲۱ ق.آ.دک)

۷۰. **توبه مجرم** در جرایم مستوجب حد به شرح ذیل اثرگذار است:

- توبه در قذف موثر نیست .
- توبه محارب فقط قبل از دستگیری یا قبل از تسلط بر وی موجب سقوط حد است .
- توبه در حدود به غیر از قذف و محاربه، قبل از اثبات جرم ، در صورت احراز ندامت از طریق مقام قضایی ، موجب سقوط حد است.
- توبه در حدود به غیر از قذف و محاربه، بعد از اقرار ، برای مقام قضایی امکان تقاضای عفو رهبری را فراهم می کند .
- توبه محارب در حال تحمل نفی بلد بعد از یک سال موجب پایان مجازات نفی بلد است .
- سارق حدی در مرتبه سوم تکرار ، اگر حین اجرای مجازات توبه کند با عفو مقام رهبری آزاد می شود. همچنین مقام رهبری می تواند مجازات را به تعزیر دیگری تبدیل کند.

۷۱. در زنا به عنف و اکراه و اغفال و لواط به عنف و اکراه و اغفال ، اگر با توبه مجرم قبل اثبات جرم یا بعد اقرار ، طبق مقررات حد ساقط شد ، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دو محکوم می شود.

۷۲. توبه در جرایم مستوجب قصاص و دیات موثر نیست .

۷۳. توبه در جرایم مستوجب تعزیر به شرح ذیل اثرگذار است:

- در جرایم تعزیری با درجه ۶-۷ و ۸ : مجازات تعزیری ساقط می شود .
- در جرایم تعزیری با درجه ۱ تا ۵ : مقام قضایی می تواند مقررات راجع به تخفیف را اعمال نماید .

- توبه در جرایم با مجازات تعزیر منصوص معین شرعی اثر ندارد . (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

۷۴. فرصت ارائه ادله مربوط به توبه : تا قبل از قطعیت حکم کیفری

۷۵. اعتبار امر مختومه کیفری : به موجب اعتبار امر مختوم کیفری یا اعتبار قضیه محکوم به، احکام کیفری پس از مراحل پژوهش خواهی، قطعی شده و طرح مجدد و محاکمه مضاعف در مورد آنها فاقد مجوز قانونی است.

۷۶. شرایط حصول اعتبار امر مختومه :

- وحدت شاکی و متهم
- وحدت موضوع یا واقعه مجرمانه
- وحدت سبب

۷۷. امر مختوم کیفری نیازی به ایراد از سوی متهم ندارد و محدود به زمان معینی هم نیست؛ مرجع تحقیق در هر زمان که پی به وجود سابقه رسیدگی به موضوع و صدور حکم قطعی واجد شرایط اعتبار امر مختومه ببرد باید از ادامه رسیدگی خودداری و قرار موقوفی تعقیب صادر کند.

۷۸. قرارهای موقوفی تعقیب، اصولاً اعتبار امر مختومه دارند و با قطعیت یافتن آن ها ، دیگر امکان رسیدگی مجدد به اتهام موضوع این قرارها وجود ندارد .

۷۹. قرارهای منع تعقیب که به دلیل جرم نبودن عمل ارتكابی صادر شده‌اند پس از قطعیت، اعتبار امر مختومه را می‌یابند و نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. (ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک)

۸۰. قرارهای منع تعقیب که به دلیل فقدان یا عدم کفایت ادله موجود بر اثبات جرم صادر شده‌اند و قطعیت یافته‌اند دارای اعتبار امر مختومه بوده و نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد ، مگر پس از کشف دلایل جدید، که در این صورت فقط برای یک مرتبه با درخواست دادستان و تجویز دادگاه، امکان تعقیب مجدد متهم وجود خواهد داشت. (ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک)

۸۱. حاکمیت امر مختومه کیفری بر امر حقوقی؛ اگر رأی قطعی کیفری موثر در ماهیت امر حقوقی باشد برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است. بنابراین اگر مدعی خصوصی در ضمن دعوای کیفری، ضرر و زیان خود را دریافت نکرده، محق است که بعد از صدور حکم قطعی کیفری، در دادگاه حقوقی آن را مطالبه کند، دادگاه حقوقی البته تابع حکم دادگاه کیفری خواهد بود. (ماده ۱۸ ق.آ.د.ک)

۸۲. اگر تعقیب کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود دادگاه کیفری مکلف است در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده مبادرت به رسیدگی و صدور رای نماید.

۸۳. موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است، تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی باشد. (ماده ۵۰۶ ق.آ.د.ک)

۸۴. با احترام به حقوق خصوصی و قاعده لاضرر، نسخ قانون جزا هرچند ضبط اموال ناشی از جرم را منتفی می‌سازد اما موجب سقوط دعوای خصوصی نخواهد شد.

● موانع تعقیب دعوای عمومی

۸۵. در حالیکه علل سقوط دعوای عمومی منجر به سقوط تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات می‌شوند، عوامل دیگری وجود دارند که تعقیب دعوای عمومی را برای مدتی متوقف می‌سازند و با رفع این عوامل، امکان به جریان افتادن تعقیب و دادرسی وجود خواهد داشت.

۸۶. موانع تعقیب دعوای عمومی :

- عدم شکایت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت
- مصونیت‌ها
- جنون بعد از ارتکاب جرم تا قبل از صدور حکم قطعی
- اناطه

۸۷. عدم شکایت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت : با لحاظ مفهوم تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.م.ا و ماده ۱۲ ق.آ.د.ک، تا زمانیکه شاکی خصوصی اقدام به شکایت و طرح دعوا در جرم قابل گذشت نکرده باشد، امکان تعقیب و رسیدگی به جرایم مندرج در ماده ۱۰۴ ق.م.ا و جرایم با این وصف در قوانین خاص، وجود نخواهد داشت.

۸۸. مصونیت ها :

- مصونیت ماهوی
- ✓ مصونیت پارلمانی
- ✓ مصونیت سیاسی
- مصونیت تشریفاتی
- ✓ مصونیت قضات
- ✓ مصونیت وکلا
- ✓ مصونیت نیروهای مسلح

۸۹. مصونیت ماهوی ناظر بر موقعیت مقاماتی است که قانوناً برای بهتر اجرا کردن وظایفشان، اصولاً از تعقیب کیفری ناشی از ارتکاب جرایم مرتبط با وظیفه، در امان خواهند بود. چنین مصونیتی به موجب قانون تعیین می‌شود و دو نوع آن عبارت‌اند از؛ مصونیت نمایندگان مجلس و مصونیت مأموران سیاسی.

۹۰. نوعی از مصونیت ماهوی ناظر بر اصل تعرض ناپذیری نمایندگان مجلس در برابر هر نوع جرم مگر با کسب مجوز از مجلس قانونگذار است که بعد از انقلاب اسلامی؛ چنین مصونیتی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی با لحاظ لزوم تساوی همه مردم در برابر قانون، در قوانین ایران منظور نگردید .

۹۱. مصونیت پارلمانی یا مصونیت نمایندگان مجلس نسبت به اظهارنظر به مناسبت ایفای وظیفه نمایندگی (اصل ۸۶ قانون اساسی): نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رای خود کاملاً آزاد هستند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

۹۲. مصونیت دیپلماتیک مأموران سیاسی: این مصونیت به مفهوم عدم امکان تعقیب و توقیف مأموران سیاسی و خانواده‌ایشان به طور مطلق توسط کشور پذیرنده می‌باشد که دال بر مصونیت سیاسی کامل است. هدف از مصونیت دیپلماتیک تامین اجرای موثر وظایف دیپلمات‌ها به عنوان نمایندگان کشورها می‌باشد. مصونیت نمایندگان سیاسی مشتمل است بر؛ مصونیت از تعرض نسبت به اموال و اماکن، ارتباطات و مکاتبات رسمی و مصونیت قضایی (مصونیت کیفری- حقوقی- اداری). باید دقت داشت که مصونیت نمایندگان سیاسی کامل‌تر از مصونیت کنسول‌ها است.

۹۳. محدوده مصونیت مأموران کنسولی در کشور پذیرنده ناظر بر موارد ذیل است :

- عدم امکان تعقیب مأموران کنسولی در کلیه جرایم به جز جرایم مشهود.
- امکان بازداشت در جرایم مهم.

- امکان اجرای مجازات در صورت محکومیت.

- لزوم اطلاع به رئیس پست کنسولی در مورد هرگونه اقدام قضایی نسبت به مأمور کنسولی ۹۴. مصونیت شکلی یا تشریفاتی؛ در این نوع مصونیت، قانون در مورد فرد دارنده مصونیت اجرا خواهد شد اما تعقیب، محاکمه و مجازات وی مستلزم رعایت تشریفات خاص است. انواع این مصونیت عبارت‌اند از؛

- مصونیت قضاات دادگستری

- مصونیت وکلا

- مصونیت نیروهای مسلح

۹۵. مصونیت قضاات دادگستری :

- مصونیت کیفری قضاات دادگستری : تعقیب کیفری مقام قضایی متهم به ارتکاب جرم، مستلزم درخواست تعلیق مقام قضایی از شغل قضاء از دادگاه انتظامی قضاات می باشد که پس از تعلیق مذکور، تعقیب کیفری دارندگان پایه قضایی ممکن خواهد بود.

- مصونیت شغلی قضاات دادگستری به موجب اصل ۱۶۴ قانون اساسی؛ قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل در آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد ، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور. هم‌چنین نقل و انتقال دوره ای قضاات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند ، صورت می گیرد.

۹۶. مصونیت وکلا : وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شغلی قضا برخوردار می باشد و بنابراین در صورت ارتکاب جرم، وکیل رأساً قابل تعقیب نیست و تعقیب او منوط به درخواست تعلیق وکیل از وکالت دادگستری از دادگاه انتظامی وکلا می باشد. (البته در عمل به دلیل فقدان نص صریح قانون و طبق اصل تساوی همگان در برابر قانون، تعقیب کیفری وکلای دادگستری موکول به تعلیق آنها نیست.)

۹۷. مصونیت نیروهای مسلح : در صورت ارتکاب جرم توسط نیروهای مسلح ، رسیدگی به جرایم آنها منوط به طی مراحل خاصی جهت اخذ مجوزهای ویژه می باشد و بنابراین این امر به مفهوم مصونیت مطلق و ماهوی نخواهد بود. از این رو احضار فرماندهان سرتیپ به بالا از طریق دفتر ویژه سازمان قضایی نیروهای مسلح صورت می گیرد و در جرایم عمومی دارندگان درجه سرتیپ به بالا حسب مورد در دادگاه کیفری تهران محاکمه می شوند. (ر.ک ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک)

۹۸. جنون متهم بعد از ارتکاب جرم در حین رسیدگی تا قبل از صدور حکم قطعی :

- در جرایم غیر حق الناسی تا زمان افاقه، تعقیب یا دادرسی متوقف می شود .
 - در جرایم حق الناسی، اگر ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند، در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می شود که ظرف ۵ روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد. (تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)

۹۹. جنون حین ارتکاب جرم:

- به استناد ماده ۱۴۹ ق.م.ا جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری می باشد .
 - با لحاظ مقررات مواد ۱۵۰ ق.م.ا و مواد ۲۰۲ و ۳۷۰ ق.آ.د.ک ؛ اگر در حین تحقیقات مقدماتی و یا حین رسیدگی محرز شود که متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است این امر موجب صدور قرار موقوفی تعقیب خواهد بود .

۱۰۰. **اناطه :** اگر در پرونده کیفری، تحقق جرم منوط به اثبات یک امر حقوقی باشد، مقام قضایی در امر کیفری قرار اناطه صادر می نماید . زیرا محرز شده است که در آن پرونده بدون رسیدگی به امر حقوقی ، امکان تصمیم گیری در امر کیفری منتفی خواهد بود. بنابراین هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه حقوقی است ، صدور قرار اناطه مانند موارد ذیل ضروری خواهد بود: (ماده ۲۱ ق.آ.د.ک)

- دعوای کیفری منازعه و ضرب و جرح ناشی از ادعای مالکیت بر دیوار مشترکی که سند رسمی ندارد.

- دعوای کیفری ترک انفاق با ادعای نفقه از سوی زوجه در حالیکه علقه زوجیت مورد تردید است.

- دعوای کیفری در جرم تخریب عمدی ملکی که اختلاف در مالکیت آن بین شاکی و مُشتکی عنه وجود دارد .

۱۰۱. شرایط صدور قرار اناطه در دعوای مربوط به حق مالکیت :

- حق مالکیت نسبت به اموال غیر منقول باشد .
 - سند رسمی موجود نباشد .
 - مرجع حقوقی امکان رسیدگی داشته باشد ، مثلاً مهلت اعتراض در مورد ثبت ملک غیر نگذشته باشد.

۱۰۲. عدم امکان صدور قرار اناطه در افلاس و ورشکستگی : اساساً بر افلاس و ورشکستگی، صدور قرار اناطه شمول ندارد، پس در رسیدگی به جرم ورشکستگی به تقلب و یا تقصیر، صدور قرار اناطه لازم نیست بلکه دادگاه فقط باید احراز سوءنیت نماید.

۱۰۳. امکان صدور قرار اناطه در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق :

- در رسیدگی به جرم زنا با ادعای متهم بر وجود علقه زوجیت

- در رسیدگی به جرم ترک انفاق با ادعای متهم بر عدم وجود علقه زوجیت

۱۰۴. قرار اناطه ای که توسط «بازپرس» صادر شود : (تبصره ۱ ماده ۱۱ ق.آ.د.ک)

- باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد .

- اگر دادستان با قرار اناطه صادره توسط بازپرس موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود .

- این قرار که به تایید دادستان رسیده باشد با لحاظ مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ ق.آ.د.ک توسط شاکی قابل اعتراض می باشد.

۱۰۵. قرار اناطه ای که توسط دادگاه در «مقام انجام تحقیقات مقدماتی» صادر شود :

با لحاظ تبصره ۲ ماده ۴۲۷ و ماده ۴۳۱ ق.آ.د.ک ؛ ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض است و اگر دادگاه صادر کننده، دادگاه کیفری دو باشد مرجع رسیدگی به این اعتراض با لحاظ تبصره ماده ۸۰ ق.آ.د.ک؛ دادگاه تجدیدنظر استان است و اگر دادگاه صادر کننده رای، دادگاه کیفری یک باشد (در جرایمی که مستقیماً به دادگاه کیفری یک بدون طی مرحله دادرسی ارجاع می شوند) با لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۷۶۸ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، مرجع اعتراض به آن دیوانعالی کشور است.

۱۰۶. قرار اناطه ای که توسط دادگاه در «مقام رسیدگی» صادر شود: با لحاظ مواد ۴۲۶ و ۴۲۸ ق.آ.د.ک مرجع رسیدگی به اعتراض حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوانعالی کشور است.

۱۰۷. قرار اناطه ای که «رئیس دادگاه بخش» با لحاظ ماده ۲۹۹ ق.آ.د.ک در مورد جرایمی صادر کند که در صلاحیت دادگاه کیفری دو می باشند، با استناد به تبصره ۲ ماده ۴۲۷ و ماده ۸۰ ق.آ.د.ک مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدیدنظر استان است.

۱۰۸. قرار اناطه ای که «رئیس دادگاه بخش» به جانشینی بازپرس و تحت نظارت دادستان شهرستان در مورد جرایم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک با رعایت ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک صادر کند: با لحاظ تبصره ۱ ماده ۲۱ و بند الف ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک قابلیت اعتراض در دادگاه کیفری صالح را خواهد داشت.

۱۰۹. آثار صدور قرار اناطه :

- تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم معلق می شود.
 - پرونده به صورت موقت بایگانی می شود.
 - ذی نفع مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه به دادگاه صالح مراجعه کند و قرار گواهی آن را ارائه دهد.
 - مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می شود جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی شود. (تبصره ۳ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک)
 - با صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به آن است، شروع می شود. (تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.آ.د.ک)
۱۱۰. ضمانت اجرای عدم پیگیری قرار اناطه توسط ذی نفع : هرگاه ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

قسمت دوم : « دادسرا ؛ متصدیان آن و تحقیقات مقدماتی »

۱۱۱. وظایف نهاد دادسرا : (ماده ۲۲ ق.آ.د.ک)

- کشف جرم
- تعقیب متهم
- انجام تحقیقات مقدماتی
- حفظ حقوق عمومی
- اقامه دعوی لازم در حقوق عمومی
- اجرای احکام کیفری
- انجام امور حسبی
- سایر وظایف قانونی

۱۱۲. محل تشکیل دادسرا : در حوزه قضایی هر شهرستان

۱۱۳. دادسرای عمومی و انقلاب در معیت دادگاه های آن حوزه تشکیل می شود .

۱۱۴. دادسرای نظامی در معیت دادگاه های نظامی استان تشکیل می شوند .

۱۱۵. ساختار دادسرا (ماده ۲۳ ق.آ.د.ک) : دادستان - معاونان - دادیاران - بازپرسان - کارمندان اداری .

۱۱۶. در حوزه قضایی بخش :

- وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی است و در غیاب وی بر عهده دادرس علی البدل می باشد . (ماده ۲۴ ق.آ.د.ک)
- در جرایم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک رئیس دادگاه بخش به جانشینی بازپرس تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوطه انجام وظیفه می کند . در غیاب رئیس دادگاه بخش، دادرس علی البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می کند. در هر حال صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است. (ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک)

۱۱۷. دادرسهای تخصصی (ماده ۲۵ ق.آ.د.ک) : به تشخیص رئیس قوه قضاییه و زیر نظر دادسرای شهرستان دادسرای تخصصی تشکیل می شود.

۱۱۸. مصادیق دادرسهای تخصصی :

- دادسرای جرایم کارکنان دولت

- دادرسی جرایم امور پزشکی و دارویی
- دادرسی جرایم رایانه ای
- دادرسی جرایم اقتصادی
- دادرسی قاچاق کالا و ارز
- دادرسی ارشاد (ویژه جرایم منافی عفت)

۱۱۹. در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، دادرسی صالح، دادرسی در معیت دادگاه صالح است مگر قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد. (ماده ۲۶ ق.آ.د.ک)

۱۲۰. در جرایم خارج از ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک اگر رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم باشد (مثلاً در صورت ارتکاب این جرایم توسط مقامات مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک)؛ انجام وظایف دادرسی به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند. (دادرسی خارج از محل وقوع جرم) (ماده ۲۶ ق.آ.د.ک)

۱۲۱. در جرایم داخل در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک اگر رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم باشد (مثلاً در صورت ارتکاب این جرایم توسط مقامات مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک)؛ انجام وظایف دادرسی در مواردی که در دادگاهی خارج از دادگاه محل وقوع جرم رسیدگی می شوند با دادرسی محل وقوع جرم است. (ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک)

توجه

در مواردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی رسیدگی می شود، تمام وظایف و اختیارات دادرسی، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است. (ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک)

۱۲۲. **ضابطان دادگستری** مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان و به موجب قانون در موارد زیر اقدام می کنند:

- کشف جرم
- حفظ آثار و علائم جرم
- جمع آوری ادله وقوع جرم
- شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
- تحقیقات مقدماتی

- ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی

۱۲۳. انواع ضابطان دادگستری :

- ضابطان عام : فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

- ضابطان خاص :

✓ رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان

✓ مأموران وزارت اطلاعات

✓ سازمان اطلاعات سپاه

✓ مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

✓ سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود.

- ضابطان نظامی : (ماده ۶۰۳ ق.آ.د.ک)

✓ مأموران دژبان نیروهای مسلح

✓ مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

✓ مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح

✓ فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی

✓ افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرایم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان

نظامی

✓ مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب

می‌شوند.



توجه

کارکنان وظیفه ، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند اما تحت نظارت ضابطان می توانند انجام وظیفه کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است . این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست . (تبصره ماده ۲۹ و تبصره ۲ ماده ۶۰۳ ق.آ.د.ک)



توجه

به موجب ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴؛ حفاظت گمرک‌های کشور زیر نظر رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آنها و امور اجرایی مبارزه با قاچاق در محدوده آن اماکن با أخذ مجوز از ستاد کل نیروهای مسلح، تشکیل و مأموران آن در حدود وظایف و با شرایط مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ضابط خاص قضایی محسوب می‌شوند.

“

توجه

تبصره ۳ ماده ۷ مکرر قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ اصلاحی ۱۳۹۷؛ علاوه بر ضابطین عام، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جرایم این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ضابط دادگستری می‌باشند.

“

۱۲۴. شرایط احراز عنوان ضابط دادگستری: (ماده ۳۰ ق.آ.د.ک)

- وثاقت و مورد اعتماد بودن
- فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی
- تحصیل کارت ویژه ضابط دادگستری

۱۲۵. کارت ویژه ضابط دادگستری: کارتی است متحدالشکل، حاوی عکس، هویت، شماره شناسایی اختصاصی، حوزه محل اشتغال و تاریخ صدور که به دستور دادستان و امضای مقام مجاز سازمان متبوع صادر می شود و معرف آن است که صاحب کارت، مجاز به انجام وظایف محوله به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد. (بند ب ماده ۱ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴)

۱۲۶. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۳۱ ق.آ.د.ک): به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.

- در جرایم مشهود اطفال و نوجوانان؛ پلیس ویژه اطفال و نوجوانان فقط در حفظ آثار و علائم جرم اقدام می کند ولی اجازه تحقیق نداشته و در صورت دستگیری موظف است متهم

را به دادگاه اطفال و نوجوانان (متهمین زیر ۱۵ سال) یا دادسرا (متهمین ۱۵ تا ۱۸ سال) تحویل دهند. (تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک)

- در جرایم غیرمشهود در مورد متهمین زیر ۱۵ سال؛ پلیس ویژه اطفال و نوجوانان دخالت نداشته و دادگاه اطفال و نوجوانان کلیه وظایفی را که بر طبق قانون بر عهده ضابطین دادگستری است انجام می دهد. (تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک)

- در جرایم غیرمشهود در مورد متهمین ۱۵ تا ۱۸ سال؛ دادسرای ویژه نوجوانان دخالت داشته و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان منوط به ارجاع امر از سوی دادسرای ویژه نوجوانان اقدام خواهد کرد. (ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک)

۱۲۷. ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری بر عهده دادستان است. البته سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می دهند، حق نظارت دارند. (ماده ۳۲ ق.آ.د.ک)

۱۲۸. ضمانت اجرای ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموری که به موجب قانون ضابط تلقی نمی شود: محکومیت انتظامی تا درجه چهار. (تبصره ماده ۳۲ ق.آ.د.ک)

۱۲۹. دستور صادر شده توسط مقام قضایی به ضابط: باید کتبی، صریح و با قید مهلت باشد. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می شود.

۱۳۰. ضابط مکلف است به اجرای دستور مقام قضایی در اسرع وقت یا در مدتی که مقام قضایی تعیین کرده است.

۱۳۱. در موارد شفاهی بودن دستور، ضابط باید نتیجه اقدام را فوراً و حداکثر تا ۲۴ ساعت به اطلاع دادستان و به امضای او یا مقام قضایی مربوطه برساند.

۱۳۲. اگر دادستان تکمیل دستور را مطالبه نمود ضابط ملزم به اطاعت است.

۱۳۳. در صورت میسر نبودن انجام دستور: ضابط باید در پایان مهلت تعیین شده گزارش آن را با ذکر علت به دادستان یا مقام قضایی مربوطه ارسال کند.

۱۳۴. شرایط اعتبار گزارش ضابطان دادگستری: (ماده ۳۶ ق.آ.د.ک)

- گزارش برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد.
- گزارش بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.

۱۳۵. وظیفه ضابطین در برابر شکایت شاکی: (مواد ۳۷ تا ۳۹ ق.آ.د.ک)

- ضابطان موظف اند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول کنند.
- شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می رسد.
- در شکایت شفاهی اگر شاکی نتواند امضا کند یا بی سواد باشد؛ مراتب در صورت مجلس

- قید و انطباق شکایت شفاهی با صورتمجلس تصدیق شود.
- ضابطان باید پس از دریافت شکایت به شاکی رسید دهند.
 - ضابطان باید به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.
 - ضابطان باید شاکی را از این حقوق آگاه کنند:
 - ✓ حق درخواست جبران خسارت
 - ✓ حق بهره مندی از خدمات مشاوره ای موجود
 - ✓ حق بهره مندی از سایر معاضدت‌های حقوقی
 - ضابطان باید اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان را در گزارش خود به مرجع قضایی ذکر کنند.

۱۳۶. انجام موارد زیر توسط ضابط ممنوع است : (مواد ۴۰ و ۴۱ ق.آ.د.ک)

- افشای اطلاعات هویت و محل اقامت افراد ذیل مگر در موارد قانونی :
- ✓ بزه دیده
- ✓ شهود
- ✓ مطلعان
- ✓ سایر اشخاص مرتبط با پرونده
- اخذ تأمین از متهم

توجه

حتی مقامات قضایی نیز نمی توانند اخذ تأمین را به ضابطان محول کنند؛ در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام خواهد شد.

۱۳۷. انجام بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ؛ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. (ماده ۴۲ ق.آ.د.ک)

۱۳۸. کیفیت اقدام ضابطین در مواردی که؛ قرائن و امارات وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان از منابع موثق نیست :

- امکان انجام تحقیقات توسط ضابط در این موارد تا قبل اطلاع دادستان بدون داشتن حق تفتیش، بازرسی، احضار یا جلب
- و ارائه گزارش به دادستان، جهت اتخاذ تصمیم مقتضی توسط دادستان برای تکمیل تحقیقات.

۱۳۹. کیفیت اقدام ضابط در جرایم غیر مشهود : (ماده ۴۴ ق.آ.د.ک) : به محض اطلاع از وقوع جرم، ضابطان مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستور به دادستان اعلام می کنند تا دادستان دستور تحقیق را صادر یا تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

۱۴۰. کیفیت اقدام ضابط در جرایم مشهود : (مواد ۴۳ و ۴۴ ق.آ.د.ک)

- حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و ادله وقوع جرم
- جلوگیری از فرار و مخفی شدن و تبانی متهم
- متعاقباً باید نتایج و مدارک توسط ضابط بلافاصله به اطلاع دادستان برسد .
- اگر شاهد یا مطلعی در صحنه جرم حضور دارد باید اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان اخذ و در پرونده درج گردد.

توجه

ضابطان دادگستری در راستای اجرای مواد ۴۴ و ۴۶ ق.آ.د.ک ، فقط در صورتی می توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

۱۴۱. مصادیق جرم مشهود : (ماده ۴۵ ق.آ.د.ک)

- وقوع جرم در مرئی و منظر ضابطان دادگستری باشد.
- حضور مأموران بلافاصله در محل وقوع جرم احراز گردد.
- آثار جرم بلافاصله پس از وقوع جرم توسط ضابطان مشاهده گردد.
- شخص معینی به عنوان مرتکب توسط بزه دیده یا ۲ نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، بلافاصله پس از وقوع جرم یا حین وقوع جرم معرفی گردد.
- علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم بلافاصله پس از وقوع جرم یافت شود.
- تعلق اسباب و ادله جرم به متهم بلافاصله پس از وقوع جرم احراز گردد.
- مواردی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم ؛ قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا دستگیر شود.
- وقوع یا در حال وقوع بودن جرم در منزل یا محل سکنای افراد به نحوی که ساکن در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

- مواردی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم خود را معرفی کرده و وقوع آن را خبر دهد.
- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

توجه

ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معین ندارد.

۱۴۲. امکان مداخله شهروندان برای جلوگیری از فرار مجرم و حفظ صحنه جرم در صورت عدم حضور ضابطان در جرایم ذیل اگر به صورت مشهود واقع شوند؛

- جرایم مستوجب سلب حیات
- جرایم مستوجب حبس ابد
- جرایم مستوجب حد قطع عضو
- جنایات عمدی با میزان نصف دیه کامل و بیشتر از آن
- جرایم مستوجب تعزیر درجه ۳ و بالاتر از آن

۱۴۳. اصولاً ضابطان نمی توانند متهم را تحت نظر قرار دهند مگر در جرایم مشهود که نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد. (با رعایت سطور آخر ماده ۴۴ و ماده ۴۶ ق.آ.د.ک)

۱۴۴. شرایط تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطین:

- جرم مشهود باشد.
- نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد.
- موضوع اتهام و ادله آن بلافاصله، کتباً به متهم توسط ضابط ابلاغ و تفهیم شود.
- مراتب فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسد.
- مدت تحت نظر حداکثر ۲۴ ساعت است.

۱۴۵. کیفیت تکلیف ضابطان در تفهیم حقوق متهم تحت نظر:

- تفهیم حقوق به محض تحت نظر قرار دادن متهم
- تفهیم حقوق به صورت مکتوب
- دریافت رسید از متهم
- ضمیمه کردن رسید در پرونده متهم

۱۴۶. مواردی که درج آن‌ها در صورت مجلس در مورد متهم تحت نظر الزامی است: (ماده ۵۳ ق.آ.د.ک)

- اظهارات شخص تحت نظر
- علت تحت نظر بودن
- تاریخ و ساعت آغاز تحت نظر بودن
- مدت بازجویی
- مدت استراحت بین دو بازجویی
- تاریخ و ساعتی که شخص نزد قاضی فرستاده شده است.

توجه

ضابطان مکلف اند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند. (ماده ۵۳ ق.آ.د.ک)

۱۴۷. شرایط تحت نظر قرار دادن متهم خارج از وقت اداری: (ماده ۴۷ ق.آ.د.ک)

- مراتب حداکثر ظرف یک ساعت به اطلاع دادستان یا قاضی کشیک باید برسد.
- دادستان یا قاضی کشیک مکلف است بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر، اقدام قانونی به عمل آورد.

۱۴۸. حق متهم تحت نظر در بهره مندی از وکیل بدین شرح است: (ماده ۴۸ ق.آ.د.ک)

- از لحظه شروع تحت نظر، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل کند.
- وکیل با رعایت و با توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات (با لحاظ ماده ۹۱ ق.آ.د.ک) با متهم ملاقات می کند.
- مدت ملاقات وکیل حداکثر یک ساعت است.
- در پایان ملاقات وکیل ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه می دهد. (بنابراین حضور وکیل برای متهم تحت نظر در جرایم مشهود، محدود به ملاقات و ذکر نکات کتبی است و به مفهوم حضور و مداخله وکیل در قالب فرایند ترافعی در مرحله تحقیقات نیست).

۱۴۹. در موارد ذیل، متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد انتخاب می کند:

- جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی
- جرایم سازمان یافته با مجازات:

✓ سلب حیات

✓ حبس ابد

✓ حد قطع عضو

✓ جنایت عمدی با میزان نصف دیه کامل یا بیشتر

✓ مجازات های تعزیری درجه ۳ و بالاتر

۱۵۰. اقدام ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم: (ماده ۵۴ ق.آ.د.ک)

- ضابطان باید تحقیقات انجام شده را تسلیم وی کرده و دیگر حق مداخله ندارند

- مگر اینکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.

۱۵۱. موارد لزوم کسب اجازه موردی از مقام قضایی توسط ضابطین در جرایم مشهود: (مواد ۵۵

و ۵۶ ق.آ.د.ک)

- ورود به منازل

- ورود به اماکن تعطیل و بسته

- تفتیش از منازل و اماکن تعطیل و بسته

- بازرسی اشخاص

- بازرسی اشیاء

۱۵۲. در جرایم غیرمشهود اقدام در موارد فوق با اجازه موردی مقام قضایی است هرچند وی

اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. ضابطین مکلف اند طبق مجوز صادره

عمل کنند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

توجه

اگر ضابطان هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می کنند. (ماده ۵۷ ق.آ.د.ک)

۱۵۳. وظیفه ضابطان هنگام ورود به منازل و اماکن بسته و تعطیل به شرح ذیل است: (ماده ۵۸ ق.آ.د.ک)

- ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود
- نشان دادن اصل دستور قضایی به متصرف محل
- قید مراتب در صورت مجلس
- به امضا رساندن صورت مجلس با امضای شخص یا اشخاص حاضر؛ در مواردی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند مراتب در صورت مجلس قید و ضابطان بازرسی را انجام می دهند.

۱۵۴. لزوم شماره گذاری اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده توسط ضابطین دادگستری (ماده ۵۹ ق.آ.د.ک):

- تعداد کل اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده که از طریق صورت مجلس توسط ضابطین دادگستری به مقام قضایی ارسال می شود باید مشخص باشد.
- شماره گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه الزامی است.
- تخلف از شماره گذاری توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه موجب محکومیت به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی است.

۱۵۵. در بازجویی به عمل آمده توسط ضابط انجام اقدامات ذیل ممنوع است: (ماده ۶۰ ق.آ.د.ک)

- اجبار کردن یا اکراه متهم
- استفاده از کلمات موهن
- طرح سؤالات تلقینی
- طرح سؤالات اغفال کننده
- طرح سؤالات خارج از موضوع اتهام

۱۵۶. ضمانت اجرای وقوع تخلفات ذیل توسط ضابطان؛ «محکومیت ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی» است:

- انجام تحقیقات و اقدامات ضابط بدون داشتن کارت ویژه ضابطین (ماده ۳۰ ق.آ.د.ک)
- عدم اقدام ضابط در به امضای مقام قضایی رساندن صورت مجلس مربوط به اجرای دستور مقام قضایی حداکثر تا ۲۴ ساعت (ماده ۳۴ ق.آ.د.ک)
- عدم انجام دستور مقام قضایی یا تکمیل تحقیقات در اسرع وقت و مهلتی که مقام قضایی معین کرده است (ماده ۳۵ ق.آ.د.ک)
- عدم پذیرش شکایت های شفاهی و کتبی و عدم رعایت مقررات راجع به ثبت شکایت

- شفاهی و مقررات راجع به ارائه رسید به شاکی و ارسال فوری شکایت به نزد دادستان (ماده ۳۷ ق.آ.د.ک)
- عدم آگاه ساختن شاکی از حقوق مربوط به جبران خسارت، خدمات مشاوره ای و معاضدت‌های حقوقی (ماده ۳۸ ق.آ.د.ک)
- عدم گزارش دهی اظهارات شاکی راجع به ضرر و زیان وارده به مراجع قضایی (ماده ۳۹ ق.آ.د.ک)
- افشای اطلاعات بزه دیده، شهود و سایر اشخاص مرتبط با پرونده در غیر از موارد مجاز قانونی (ماده ۴۰ ق.آ.د.ک)
- اخذ تأمین از متهم توسط ضابط (ماده ۴۱ ق.آ.د.ک)
- عدم بهره مندی از ضابطان آموزش دیده زن در صورت امکان، در بازجویی از زنان و افراد ۱۵ ساله و کمتر (ماده ۴۲ ق.آ.د.ک)
- عدم اعلام اطلاعات متهمین تحت نظر حداکثر ظرف یک ساعت به دادسرای محل (ماده ۴۹ ق.آ.د.ک)
- عدم توجه به درخواست متهم تحت نظر یا بستگان او در انجام معاینه توسط پزشک (ماده ۵۱ ق.آ.د.ک)
- عدم تفهیم حقوق متهم تحت نظر به نحو مکتوب به او (ماده ۵۲ ق.آ.د.ک)
- عدم تنظیم صورت مجلس با رعایت مقررات در مورد افراد تحت نظر (ماده ۵۳ ق.آ.د.ک)
- ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تفتیش و بازرسی اشیاء، اماکن و اشخاص در جرایم غیرمشهود بدون مجوز موردی مقام قضایی (ماده ۵۵ ق.آ.د.ک)
- عدم شماره گذاری اوراق بازجویی و سایر مدارک (ماده ۵۹ ق.آ.د.ک)
- عدم تنظیم صورت مجلس به طریق مقرر قانونی و عدم اعلام آن ظرف ۲۴ ساعت به مقام قضایی در موارد ورود به منازل و اماکن و تفتیش با مجوز موردی (ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک)

● دادستان و ساز و کارهای تعقیب جرم

۱۵۷. جهات قانونی شروع به تعقیب :

- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی
- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری
- اعلام و اخبار مقامات رسمی
- اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن
- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس

- اظهار و اقرار متهم
- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

توجه

شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

۱۵۸. تعقیب بر مبنای اطلاع رسانی اعلام کننده جرم : (ماده ۶۵ ق.آ.د.ک)

- اگر اعلام کننده ناظر وقوع جرم باشد :
- ✓ اگر جرم مذکور از جرایم غیرقابل گذشت باشد.
- ✓ و قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد.
- اگر اعلام کننده ناظر وقوع جرم نباشد :
- ✓ به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.
- ✓ یا جرم از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.

۱۵۹. اعلام جرم از جانب سازمان های مردم نهاد (ماده ۶۶ ق.آ.د.ک) : این سازمان ها می توانند در زمینه های ذیل اعلام جرم کنند و می توانند در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند، مگر در مواردی که قانوناً منعی ایجاد شده باشد.

۱۶۰. زمینه هایی که سازمان های مردم نهاد با اساسنامه خود در آن می توانند اقدام کنند :

- حمایت از اطفال و نوجوانان (مراجعه کنید به تبصره ماده ۳۸ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹)
- حمایت از زنان
- حمایت از اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی
- حمایت از محیط زیست
- حمایت از منابع طبیعی
- حمایت از میراث فرهنگی
- حمایت از بهداشت عمومی

- حمایت از حقوق شهروندی

۱۶۱. کیفیت اعلام جرم توسط سازمان های مردم نهاد در صورت وجود بزه دیده خاص :
- کسب رضایت بزه دیده جهت اقدام توسط سازمان مردم نهاد ضروری است. (البته به نظر می رسد اعلام جرم در جرایم قابل گذشت مستلزم کسب رضایت متضرر از جرم باشد وگرنه در جرایم غیر قابل گذشت که دارای بزه دیده معین هم باشند، اعلام جرم مستلزم کسب رضایت نمی باشد و تمام شهروندان و اشخاص در جامعه اعم از حقیقی یا حقوقی، حق اعلام جرم به مراجع قضایی را دارند.)
 - اگر بزه دیده طفل، مجنون یا در جرایم مالی سفیه باشد : کسب رضایت ولی یا قیم یا سرپرست قانونی ضروری است.
 - اگر ولی یا قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشند ، سازمان های مردم نهاد با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می دهند.

توجه

ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلف اند بزه دیدگان جرایم موضوع حمایت سازمان های مردم نهاد را از کمک این سازمان ها آگاه کنند (تبصره ۲ ماده ۶۶ ق.آ.د.ک)

“

۱۶۲. نحوه محاکمه در جرایمی که با اعلام جرم از جانب سازمان های مردم نهاد مورد رسیدگی قرار می گیرند با رعایت اصل ۱۶۵ قانون اساسی می باشد؛ محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

۱۶۳. سازمان های مردم نهاد در جرایم منافی عفت :

- فقط می توانند اعلام جرم کنند .
 - دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند.
 - حق شرکت در جلسات را ندارند.
۱۶۴. کیفیت تعقیب بر مبنای گزارش های فاقد هویت گزارش دهنده: (ماده ۶۷ ق.آ.د.ک)
- اصولاً چنین گزارش هایی نمی توانند مبنای شروع به تعقیب باشند،
 - مگر دلالت بر وقوع امر مهمی کنند که موجب اخلاص در نظم و امنیت عمومی است،
 - یا گزارش همراه قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می کند.

۱۶۵. موارد ذیل الزاماً در شکواییه درج می شوند: (مواد ۶۸ و ۶۹ ق.آ.د.ک)

- مشخصات کامل شاکی
 - موضوع شکایت
 - تاریخ وقوع جرم
 - محل وقوع جرم
 - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی
 - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان
 - مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان
۱۶۶. عدم استفاده از اوراق متحدالشکل قوه قضاییه در تنظیم شکوائیه مانع استماع شکایت نیست.
۱۶۷. دادستان ملزم به پذیرش شکایات کتبی و شفاهی در همه وقت می باشد.
۱۶۸. در جرایم قابل گذشت که تعقیب منوط به طرح شکایت شاکی خصوصی باشد، اگر بزه دیده محجور بوده :
- و ولی یا قیم نداشته باشد یا به ولی و قیم دسترسی نباشد؛ دادستان نصب قیم موقت می کند و اگر نصب قیم موجب فوت وقت یا موجب ضرر به محجور شود دادستان خود اقدام به تعقیب می کند.
 - یا اگر ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده اند یا ولی یا قیم در وقوع جرم مداخله داشته اند یا ولی یا قیم قادر به طرح شکایت نباشند: دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می کند.
۱۶۹. در جرایم قابل گذشت که تعقیب منوط به طرح شکایت شاکی خصوصی باشد، اگر بزه دیده طفل یا محجور باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند: دادستان موضوع را تعقیب می کند.
۱۷۰. در جرایم قابل گذشت که تعقیب منوط به طرح شکایت شاکی خصوصی باشد، اگر بزه دیده به علت معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن ناتوان از اقامه دعوا باشد: دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می کند. در این صورت در خصوص افراد محجور موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم منوط به موافقت دادستان است.
۱۷۱. در جرایم غیرقابل گذشت اگر مقامات و اشخاص رسمی از وقوع جرم در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلف اند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

توجه

در مورد سفیه فقط در دعاوی کیفری با جنبه مالی دادستان یا قییم اقدام می کند و در صورت عدم اقدام ولی یا قییم، دادستان نصب قییم کرده یا شخصاً اقدام می نماید.

توجه

سفیه، در غیر از موارد مالی می تواند شخصاً طرح شکایت کند.

۱۷۲. محدوده اختیارات دادستان در تحقیقات مقدماتی: (مواد ۷۳ تا ۷۶ ق.آ.د.ک)

- نظارت بر تحقیقات بر عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به عمل می آید هرچند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است.
- دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد.
- دادستان می تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام آن نظارت کند.
- دادستان نمی تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.
- دادستان قبل ارجاع کلی تحقیق به بازپرس می تواند اجرای برخی تحقیقات را از بازپرس تقاضا کند.

۱۷۳. دادستان در جرایم مشهود ذیل تا قبل از حضور بازپرس می تواند جهت حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدام کند:

- جرایم مستوجب مجازات سلب حیات
- جرایم مستوجب مجازات حبس ابد
- جرایم مستوجب مجازات حد قطع عضو
- جنایات عمدی با میزان نصف دیه کامل یا بیشتر
- جرایم مستوجب تعزیر درجه ۱، ۲ و ۳

۱۷۴. دادستان در جرایم مشهود واقع شده «خارج از حوزه قضایی» مکلف است: (ماده ۷۸ ق.آ.د.ک)

- تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم انجام دهد.

- تمام تحقیقاتی را که برای کشف جرم لازم بداند به عمل آورد.

- نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند.

۱۷۵. قرار ترک تعقیب: (ماده ۷۹ ق.آ.د.ک)

- در جرایم قابل گذشت (ر.ک به ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹ ق.م.ا)
- شاکی می تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب نماید.
- پس از صدور قرار ترک تعقیب توسط دادستان ، شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

۱۷۶. قرار بایگانی شدن پرونده: (ماده ۸۰ ق.آ.د.ک)

- در جرایم تعزیری با درجه ۷ و ۸
- اگر شاکی وجود نداشته نباشد یا گذشت کرده باشد.
- در صورت فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری برای متهم (با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا)
- مقام قضایی تعقیب مخیر است در بایگانی کردن پرونده پس از:
 - ✓ تفهیم اتهام
 - ✓ ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است.
 - ✓ با اخذ التزام کتبی از متهم در صورت ضرورت
- این قرار ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان قابل اعتراض است.

توجه

با لحاظ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک صدور قرار بایگانی شدن پرونده ناظر بر جرایم تعزیری درجه ۷ یا ۸ است که واجد جنبه ی غیرقابل گذشت می باشند به نحوی که شاکی نداشته یا شاکی در آنها اعلام گذشت کرده باشد. قطعاً این ماده ناظر بر جرایم قابل گذشت نیست ، چون در آن جرایم با گذشت شاکی خصوصی دعوای کیفری متوقف شده و نیازی به اعمال ماده ۸۰ ق.آ.د.ک نخواهد بود.

توجه

با لحاظ اینکه جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ جهت انجام تحقیقات به دادسرا ارجاع نمی شوند؛ در نتیجه مقام قضایی دادگاه، قرار مربوطه را در این جرایم صادر می نماید.

۱۷۷. قرار تعلیق تعقیب: (ماده ۸۱ ق.آ.د.ک)

- در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸
- که در آن ها شرایط تعلیق اجرای مجازات وجود داشته باشد (با لحاظ مواد ۴۶ و ۴۷ ق.م.ا)
- در صورت فقدان شاکی یا گذشت شاکی یا جبران خسارات وارده یا فراهم شدن ترتیب پرداخت با موافقت بزه دیده
- با فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری برای متهم (با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا)
- پس از اخذ موافقت متهم و اخذ تأمین مناسب در صورت ضرورت
- امکان صدور قرار تعلیق تعقیب به مدت ۶ ماه تا ۲ سال توسط مقام قضایی تعقیب وجود دارد.

۱۷۸. مرجع صدور قرار تعلیق تعقیب :

- در جرایم تعزیری درجه ۶ که اصولاً در دادسرا امکان تعقیب وجود داشته باشد ، دادستان قرار تعلیق تعقیب را صادر می کند. بازپرس می تواند در صورت وجود شرایط قانونی صدور قرار تعلیق تعقیب را از دادستان درخواست کند.
- در مواردی که پرونده مستقیماً به دادگاه می رود (از جمله جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ یا جرایم منافی عفت با درجه ۶) دادگاه می تواند قرار تعلیق تعقیب را صادر کند.

۱۷۹. قرار تعلیق تعقیب ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد در مرجع قضایی صالح قابل اعتراض است.

توجه

با لحاظ ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک که جرایم درجه ۷ و ۸ مستقیماً در دادگاه مطرح می شوند و همچنین جرایم منافی عفت ولو با درجه ۶ که به استناد ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می شوند ، مقام صدور قرار تعلیق تعقیب در این جرایم، قاضی دادگاه کیفری ۲ و مرجع اعتراض به آن با وحدت ملاک از ماده ۸۰ ق.آ.د.ک، دادگاه تجدیدنظر استان است. در جرایم تعزیری درجه ۶ غیر موارد منافی عفت، مقام صادرکننده قرار تعلیق تعقیب، دادستان است و مرجع صالح برای اعتراض به این قرار دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را با رعایت ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک داشته باشد.

“

۱۸۰. دستورات ضمنی قرار تعلیق تعقیب: (ماده ۸۱ ق.آ.د.ک)

- ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده
- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان یا هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه
- منع از اشتغال به کار یا حرفه معین؛ حداکثر به مدت یک سال
- منع از رفت و آمد به محل یا مکان معین؛ حداکثر به مدت یک سال
- معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان؛ حداکثر به مدت یک سال
- انجام کار در ایام یا ساعات معین در موسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان؛ حداکثر به مدت یک سال
- شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی - فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین؛ حداکثر به مدت یک سال
- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه؛ حداکثر به مدت یک سال
- عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن؛ حداکثر به مدت یک سال
- عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین
- منع خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوطه، حداکثر ظرف شش ماه

۱۸۱. آثار تعلیق تعقیب (تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک)

- با عدم اجرای دستورهای مقام قضایی در دوره تعلیق: قرار تعلیق لغو می‌شود و تعقیب به عمل می‌آید.
- در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن متهم در دوره تعلیق به اتهام‌های ذیل که منتهی به صدور کیفرخواست شوند، قرار تعلیق لغو می‌شود و با لحاظ قوانین تعدد جرم تعقیب به عمل می‌آید:
- ✓ جرایم مستوجب حد
- ✓ جرایم مستوجب قصاص
- ✓ جرایم مستوجب تعزیر با درجه ۱ تا ۷

توجه

در مواردی که تعلیق تعقیب لغو می شود و تعقیب آغاز می گردد، مدتی که تعقیب معلق بوده، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود.

توجه

اگر با ارتکاب جرایم مستوجب حد، قصاص یا جرایم عمدی مستوجب تعزیر درجه ۱ تا ۷، تعلیق تعقیب لغو شده و بعد از رسیدگی، متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق تعقیب قبلی را ابقا می کند.

۱۸۲. شرایط امکان اعطای مهلت توسط مقام قضایی به متهم جهت تحصیل گذشت یا جبران خسارات ناشی از جرم: (ماده ۸۲ ق.آ.د.ک)

- در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که اجرای مجازات آن ها قابل تعلیق است (با لحاظ مواد ۴۶ و ۴۷ ق.م.ا)

- با درخواست متهم

- با موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی

- با اخذ تأمین متناسب از متهم

- با اعطای مهلت حداکثر به مدت ۲ ماه (این مهلت در صورت اقتضاء، فقط برای یک بار و به میزان مذکور قانونی، قابل تمدید است)

۱۸۳. ارجاع به میانجی گری: (مواد ۸۲ تا ۸۴ ق.آ.د.ک)

- در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸

- که اجرای مجازات آن ها قابل تعلیق است.

- با توافق طرفین

- مقام قضایی (اعم از دادستان و قاضی دادگاه حسب مورد) می تواند برای حصول سازش بین طرفین جهت ارجاع امر به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه ای برای میانجی گری، دستور میانجی گری صادر کند.

- مدت میانجی گری: حداکثر ۳ ماه است (این مهلت در صورت اقتضاء، فقط برای یک بار و

به میزان مذکور قانونی، قابل تمدید است.)

۱۸۴. نتیجه میانجی‌گری:

- گذشت شاکی

- عدم گذشت شاکی یا عدم حصول توافق

۱۸۵. با گذشت شاکی در نتیجه میانجی‌گری در جرایم قابل گذشت؛ قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

۱۸۶. با گذشت شاکی در نتیجه میانجی‌گری در جرایم غیر قابل گذشت یا جبران خسارات یا حصول توافق بر جبران خسارات اگر متهم فاقد سابقه محکومیت کیفری موثر باشد (با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا)؛ قرار تعلیق تعقیب می‌تواند از سوی مقام قضایی با رعایت ماده ۸۱ ق.آ.د.ک صادر شود.

۱۸۷. در صورت عدم گذشت شاکی یا عدم حصول توافق در پایان میانجی‌گری: نتیجه میانجی‌گری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت مجلسی که به امضای میانجی‌گر و طرفین می‌رسد برای بررسی و تأیید اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.

۱۸۸. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آن‌ها در صورت مجلس الزامی است.

۱۸۹. در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از جانب متهم بدون عذر موجه: با درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق لغو و تعقیب ادامه می‌یابد.

توجه

بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا کند. (تبصره ۴ ماده ۸۱ و تبصره ماده ۸۲ ق.آ.د.ک)

۱۹۰. میانجی‌گری فرایندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد. (بند الف ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری مصوب ۱۳۹۴)

۱۹۱. فرایند میانجی گری:

- مدیریت میانجی گری : با میانجی گر است.
- اشخاص حاضر در میانجی گری: بزه دیده / متهم / در صورت ضرورت سایر اشخاص موثر در حصول سازش از قبیل: اعضای خانواده ، دوستان ، همکاران ، اعضای جامعه محلی ، نهادهای ذی ربط رسمی، عمومی و مردم نهاد.
- در صورت حصول توافق موافقت نامه ای تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می شود.

۱۹۲. شرایط عمومی میانجی گر:

- دارای وثاقت
- داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران برای میانجی گری در مورد اتباع ایرانی
- نداشتن سوء شهرت
- دارای سن حداقل ۲۵ سال تمام شمسی

۱۹۳. شرایط اختصاصی میانجی گر:

- فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری
- دارای مدرک کارشناسی از رشته های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق
- الزام به طی شدن آموزش های لازم میانجی گری برای متقاضیان (در پایان دوره آموزشی و گذراندن توأم با موفقیت آموزش ها، گواهی میانجی گری به میانجی داده می شود. مدت اعتبار این گواهی ۳ سال و تمدید آن بلامانع است)

۱۹۴. کارکنان شاغل در قوه قضاییه اعم از قضایی و اداری و همچنین ضابطان دادگستری نمی توانند متقاضی ایجاد موسسه میانجی گری شوند.

۱۹۵. کیفیت حضور طرفین در جلسه میانجی گری: (ماده ۱۸ آیین نامه میانجی گری مصوب ۱۳۹۴)

- جلسات میانجی گری با حضور طرفین تشکیل می شود.
- در صورت تمایل شخص بزه دیده به حضور متهم در جلسه، متهم شخصاً باید حاضر باشد.
- در صورتی که حضور شخص متهم لازم باشد و وی در بازداشت باشد، تشکیل جلسه در خارج از بازداشتگاه یا زندان باید با دستور مقام قضایی و رعایت جهات تأمینی معمول باشد.
- در صورت ضرورت، میانجی گر می تواند از اعضای خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و سایر اشخاص از جمله جامعه محلی که بنا به تشخیص میانجی گر یا تقاضای هر کدام از طرفین حضورشان در جلسه میانجی گری مفید است، دعوت به حضور نماید.
- در صورتی که طرفین اختلاف یا یکی از آن ها کمتر از ۱۸ سال داشته باشد حضور ولی یا

سرپرست وی الزامی است. در صورت عدم حضور ولی یا سرپرست، میانجی گر مراتب را برای تعیین تکلیف به مقام قضایی اعلام می نمایند.

۱۹۶. کلیه مطالب و اظهارات طرفین در فرایند میانجی گری جنبه محرمانه دارد.

توجه

نتیجه میانجی گری:

- در صورت حصول توافق: موافقت نامه تنظیم و برای مقام قضایی مربوطه ارسال می شود.
- در صورت عدم حصول توافق: میانجی گر ارجاع مجدد قضیه به فرایند رسمی رسیدگی کیفری را به آن ها اعلام می نماید.

۱۹۷. در صورت احراز لزوم پرداخت دیه از بیت المال در مرحله دادسرا (ماده ۸۵ ق.آ.د.ک): در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می شود.

توجه

منظور از این که پرونده با دستور دادستان به دادگاه ارسال می شود، ناظر بر این امر است که در موارد لزوم پرداخت دیه از بیت المال، قرار جلب به دادرسی و متعاقباً کیفرخواست صادر نمی شود، بنابراین پرونده صرفاً با دستور دادستان، جهت صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می گردد.

توجه

ارسال پرونده به دادگاه در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می شود، جهت تعیین تکلیف دیه، صورت خواهد پذیرفت. (مانند فوت متهم پس از ارتکاب جرم موضوع تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک یا جنون متهم حین ارتکاب جرم موضوع ماده ۲۲ ق.آ.د.ک)

۱۹۸. کیفیت اقدام در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است :

- در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به عاقله اخطار می شود برای دفاع از خود حضور یابد.
- پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می شود.
- هیچ یک از الزامات و محدودیت های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست.
- عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست.

۱۹۹. جرایم قابل ارجاع به دادگاه بدون صدور کیفرخواست (ادعای شفاهی دادستان در دادگاه) (ماده ۸۶ ق.آ.د.ک)؛ کلیه جرایم غیر از موارد ذیل قابل ارجاع بدون کیفرخواست به دادگاه هستند :

- جرایم مستوجب سلب حیات
- جرایم مستوجب حبس ابد
- جرایم مستوجب حد قطع عضو
- جنایات عمدی با میزان نصف دیه کامل یا بیشتر
- جرایم مستوجب تعزیرات درجه ۱، ۲ و ۳
- جرایم مطبوعاتی و سیاسی

۲۰۰. شرایط ارجاع دعوای کیفری به دادگاه بدون صدور کیفرخواست (ادعای شفاهی دادستان در دادگاه) :

- لزوم حضور شاکی و متهم
- یا حضور متهم در صورت عدم وجود شاکی
- یا حضور متهم و گذشت شاکی
- لزوم تکمیل شدن تحقیقات مقدماتی
- دادستان رأساً یا به درخواست بازپرس با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح می کند.

۲۰۱. نحوه رسیدگی در دادگاه به دعوای بدون کیفرخواست :

- دادگاه بدون تأخیر، تشکیل جلسه می دهد.
- تفهیم حق دفاع و حق داشتن وکیل از جانب دادگاه به متهم باید صورت گیرد .
- متهم برای تعیین وکیل و تدارک دفاع حداقل برای ۳ روز می تواند تقاضای مهلت کند؛ اگر متهم از این حق استفاده نکند ، دادگاه در همان جلسه رسیدگی و رأی صادر می کند.